

## فیلترینگ و دشواره تزام اخلاقی

\* حسینعلی رحمتی

\*\* حمید شهریاری

### چکیده

فیلترینگ و ممانعت از دسترسی به فضای مجازی که عمدتاً در راستای اخلاقی سازی این فضا انجام می‌شود، فرایندی است که همه مرتبطان با آن، اعم از کاربران عادی و نهادهای حاکمیتی سیاستگذار و مجری، وظایفی برعهده دارند، و مانند هر کنشگر اخلاقی دیگر گاه در معرض تزام این وظایف قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت علمی و ثمرات عملی این موضوع، و فقدان منبع در این زمینه، با تحلیل فرایند فیلترینگ از منظر اخلاقی، چگونگی شکل‌گیری تزام‌های مربوط به آن را بررسی و ضمن بیان برخی مصادیق، برای رفع یا کاهش آنها راهکارهایی را پیشنهاد می‌کند. دوگانه‌هایی از قبیل راست‌گویی / پرهیز از اشاعه گناه، حفظ حریم خصوصی / خیر رساندن به دیگران، مجازات خطاکار / عدم تنبیه بی‌گناه، خدمت به مردم / عدم ایجاد بدبینی نسبت به دین، و حفظ حقوق شهروندان / حفظ بیت‌المال از جمله تزام‌هایی است که مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین چيستی تزام اخلاقی، تأثیر آن بر اخلاقی شدن فضای سایبر، منشأ الزام اخلاقی از دیگر موضوعاتی است که مقاله به آنها پرداخته است. در بررسی مطالب افزون بر تحلیل‌های فلسفی، از آموزه‌های اخلاقی اسلام نیز بهره گرفته شده است.

### واژگان کلیدی

اخلاق فیلترینگ، تزام اخلاقی، وظایف اخلاقی، اخلاق فناوری اطلاعات (= اخفا)، اخلاق کاربردی اسلامی.

\*. عضو هیات علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم، گروه اخلاق کاربردی (نویسنده مسئول).

harahmati2@gmail.com

\*\* استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۸

## طرح مسئله

امروزه فیلترینگ یا جلوگیری از تولید، توزیع و استفاده از محتوای نامناسب و نقض اصول اخلاقی در فضای مجازی یکی از راهکارهای اندیشیده شده برای اخلاقی شدن فضای سایبر است، ولی این کار وقتی به نتایج مطلوبی می‌رسد که هر یک از مرتبطان با آن (اعم از کاربران عادی و نهادهای حاکمیتی) به وظایف اخلاقی خود در این زمینه آگاهی داشته و به آنها عمل کنند. اما مسئله این است که گاه هر یک از این دو گروه با موقعیت‌های دشواری مواجه می‌شوند که ناشی از عدم امکان عمل به دو یا چند وظیفه اخلاقی است که هم‌زمان بر آنها لازم است. از آنجا که شکل‌گیری این وضعیت، که آن را تزام (و گاهی تعارض) اخلاقی می‌نامند، بر روی کنشگری اخلاقی مربوط به فیلترینگ و فضای مجازی تأثیرگذار است بایستی آن را در سنجه تحقیق نهاد و برای رفع یا کاهش آن چاره‌اندیشی کرد.

در این راستا، مقاله حاضر با مفروض گرفتن اینکه امروزه چه در کشور ما چه در کشورهای دیگر، به دلایل مختلف، از انجام یک فیلترینگ حداقلی درباره فضای مجازی گریزی نیست، همچنین با مفروض گرفتن اینکه هر یک از مرتبطان با فرایند فیلترینگ از نظر اخلاقی وظایف و تکالیفی بر عهده دارند، و با پذیرش این مطلب که این مرتبطان به‌عنوان فاعلان اخلاقی در فرایند عمل به وظایف خود گاه با تزام تکالیف مواجه می‌شوند، به واکاوی این پرسش پرداخته که مهم‌ترین تزام‌هایی که در این بستر می‌تواند شکل گیرد کدام است، و برای رفع یا کاهش آنها چه باید کرد؟

اهمیت این پژوهش از یک‌سو ناظر به اهمیت فضای مجازی و پیشگیری از نقض اخلاق در این فضا، و لزوم چاره‌اندیشی برای رفع موانعی چون تزام اخلاقی از سوی دیگر است. همچنین فقدان منابع به زبان فارسی بیان‌گر ضرورت نگارش این مقاله است. در زبان انگلیسی هم گرچه کسانی چون آیرینا تراشینا (Trushina, 2004) تعارض اخلاقی مربوط به کتابخانه‌های اینترنتی، یا بیلیان کوهن (Couhn, 2004) تعارض‌های اخلاقی مربوط به خرید و فروش دارو در داروخانه‌های اینترنتی را بررسی کرده‌اند که به فضای مجازی مربوط می‌شود ولی، تا جایی که نگارنده پی‌جویی کرده، در زمینه تزام‌های مربوط به فیلترینگ کار چندانی انجام نشده است. از این‌رو ادبیات موضوع، فاقد پیشینه‌ای است که بتوان آن را بررسی کرد. امید است مکتوب حاضر، راه را برای پژوهش‌های دیگر باز کند. روش تحقیق از نظر گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و میدانی و از نظر ارائه، به صورت تحلیلی و کاربردی است. مباحث مطرح شده از منظر فلسفی تحلیل گردیده است البته در موارد لازم نیز از آموزه‌های اخلاقی اسلام بهره گرفته شده است.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. فیلترینگ

«فیلتر»<sup>۱</sup> واژه‌ای فرانسوی است که در فارسی به «صافی» یا «پالایه» نیز ترجمه شده و به وسیله‌ای گفته می‌شود که برای تصفیه آب و مایعات دیگر به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۹۵: ذیل واژه فیلتر) البته این اصطلاح امروزه در علوم مختلف از قبیل شیمی، مهندسی، عکاسی، و حتی موسیقی هم به کار می‌رود. فرایند اجرای این گونه فیلتر را «فیلترینگ» می‌گویند؛ اما از نظر اصطلاحی در فضای مجازی عبارت است از «به کار گرفتن سازوکاری جهت ممانعت از دسترسی مردم عادی به بخش‌هایی از اینترنت که دولت‌ها به هر دلیل نسبت به آنها حساسیت دارند. محتوای فیلتر شده دامنه‌ای وسیع از مسائل سیاسی و جنسی تا فرهنگی و دینی را در بر می‌گیرد». (Zittrain and Palfrey, 2008: 1) برای این گونه فیلترینگ در زبان انگلیسی گاه اصطلاح «سانسور» به کار می‌رود (مثلاً بنگرید به: Lawson and Comber, 2000) ولی به نظر می‌رسد به خاطر کاربرد معمول «سانسور» برای منابع مکتوب از قبیل کتاب و مقاله، بهتر آن است که از همان اصطلاح «فیلترینگ» استفاده شود که با فرایند جاری در فضای مجازی سازگاری بیشتری دارد. در زبان فارسی نیز گاهی برای آن معادل‌هایی چون «پالایش محتوا» به کار می‌رود ولی از آنجاکه اصطلاح «فیلترینگ» گویاتر و جاافتاده‌تر است در مقاله حاضر از همین واژه استفاده می‌شود. گرچه فیلتر کردن ممکن است توسط افراد مختلف، از قبیل والدین نسبت به فرزندان، یا رئیس یک اداره نسبت به کارمندان، انجام شود ولی در پژوهش حاضر، مقصود از فیلترینگ، آن دسته از اقداماتی است که عمدتاً توسط نهادهای رسمی دولتی جهت ممانعت از دسترسی کاربران به محتوای ارائه شده در برخی از پایگاه‌های اینترنتی اعمال می‌گردد.

### ۲. وظیفه اخلاقی

به طور مختصر می‌توان گفت مقصود از وظیفه یا تکلیف اخلاقی،<sup>۲</sup> هرگونه فعل یا ترکی است که فاعل اخلاقی ملزم به مراعات آن است. وظیفه اخلاقی از یک طرف با اوامر اخلاقی<sup>۳</sup> و الزام اخلاقی<sup>۴</sup> پیوند دارد و از سوی دیگر با مسئولیت اخلاقی.<sup>۵</sup> درباره اینکه چه کسی یا چه چیزی می‌تواند ما را ملزم به یک وظیفه کند هرچند دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است. (بنگرید به: شریفی، ۱۳۹۰؛ 413-414; Mellema, 2005)

1. Filter.
2. Moral duty.
3. Moral commands.
4. Moral obligation.
5. Moral responsibility.

ولی به باور نگارنده، هم عقل می‌تواند منشأ الزام و تعیین‌کننده وظایف اخلاقی باشد هم دین. از این‌رو وظایفی که در این پژوهش معرفی می‌شود برگرفته از هر دو است.

### ۳. تزامم اخلاقی

بهرغم برخی تفاوت‌ها بین تزامم و «تعارض»، در ادبیات فلسفه اخلاق، گاه این دو را به یک معنا به کار می‌برند، از این‌رو در این مقاله هرگاه واژه تعارض به کار می‌رود مقصود همان تزامم است. چرا که آنچه در اینجا مطرح می‌شود ناظر به مرحله عمل است. برای تزامم و تعارض در علوم مختلف تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. به‌عنوان نمونه، میرزایی در پژوهش خود آن را به معنای «اختلاف» و معادل (conflict) گرفته و از مدیریت تعارض بحث کرده است. (میرزایی، ۱۳۹۰: ۳۱ - ۲۶) در حوزه اخلاق این واژه نوعاً به‌عنوان معادل فارسی Moral Dilemma (MD) و Moral Conflict (MC) گرفته‌اند و البته گاهی «دوراهه» یا «تنگنا» هم ترجمه کرده‌اند. (بنگرید به: آرمسترانگ، ۱۳۹۲) برخی نیز ضمن تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی خاطرنشان کرده‌اند از آنجاکه گاهی تعارض بین چند تکلیف است نه دو تکلیف، اصطلاح «تنگنا» مناسب‌تر است. (بهرامی و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱: ۳۳) اما نگارنده، به دلیل پیش‌گفته، در این پژوهش بیشتر از واژه تزامم استفاده می‌کند. از نظر اصطلاحی نیز از بین تعاریف مختلف، تعریف بوسلیکی را ترجیح داده که معتقد است:

تعارض، موقعیتی است که فاعل اخلاقی هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی دارد که هر کدام به تنهایی وظیفه او است ولی اتفاقاً و فقط به دلیل هم‌زمانی نمی‌تواند همه آنها را انجام دهد. (بوسلیکی، ۱۳۹۱: ۶۱)

در اینجا همچنین بد نیست اشاره شود که تعارض یا تزامم اخلاقی اولاً بحثی نوپدید نیست و آن‌گونه که «هوگلی» گزارش کرده دست‌کم در مغرب زمین از یونان باستان تا عصر حاضر سابقه دارد. (هوگلی، ۱۳۹۴: ۲۳۱ - ۲۱۶) ثانیاً منحصر به فضای مجازی هم نیست و در همه عرصه‌های حیات انسانی امکان وقوع دارد. به‌عنوان نمونه بنگرید به بهرامی و فرامرز قراملکی (بهرامی و قراملکی، ۱۳۹۱) که این تعارض‌ها را در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد واکاوی قرار داده‌اند یا آن را در عرصه اقتصاد و این مسئله را در حوزه سیاست مورد بررسی قرار داده است. (Talissee, 2009) ثالثاً تزامم وظایف، در فضای مجازی صرفاً منحصر به مسئله فیلترینگ نیست و تا جایی که نگارنده بررسی کرده حدود پنج نوع تزامم اخلاقی دیگر در این فضا یا درباره آن قابل صورت‌بندی است که عبارت است از تزامم‌های اخلاقی مربوط به استفاده یا عدم استفاده از این فضا، تزامم اعتماد یا عدم اعتماد،

تزام صداقت یا عدم صداقت، تزام انتشار یا عدم انتشار، و تزام جبران یا عدم جبران. البته در پژوهش حاضر فقط تزام‌های مرتبط با فیلترینگ بررسی خواهد شد که تحت عنوان «تزام دسترسی یا عدم دسترسی» قرار می‌گیرد.

### تزام اخلاقی و اخلاقی شدن فاوا

تزام اخلاقی بر روی اخلاقی شدن فضای مجازی تأثیر منفی می‌گذارد؛ چرا که عامل اخلاقی را در موقعیتی قرار می‌دهد که نه می‌تواند به طور کلی قید هرگونه کنش اخلاقی را بزند، چون یقین دارد که وظیفه‌ای بر عهده اوست، و از سوی دیگر، همان‌گونه که در بخش مصادیق خواهیم دید، نمی‌داند چه کاری باید انجام دهد. ثمره چنین وضعیتی شکل‌گیری نوع تحیر و سرگردانی در مقام عمل است. این مسئله البته در فضای مجازی از اهمیت و حساسیت مضاعفی برخوردار است؛ چرا که به خاطر افزایش تصاعدی کاربران آن به فاعلان اخلاقی، طبیعتاً دایره تأثیر و عمق نفوذ آن نیز به شدت افزایش می‌یابد. برای فهم بهتر این مطلب، کافی است به این مثال توجه کنیم؛ برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد تا اوایل سال ۱۳۹۵، کاربران ایرانی که از شبکه اجتماعی تلگرام استفاده می‌کنند حدود ۴۵ میلیون نفر بوده‌اند.<sup>۱</sup> که قطعاً این مقدار تا اکنون که سال ۱۳۹۶ است افزایش یافته است. از این‌رو پیامدهای هرگونه رفتار اخلاقی مردم و مسئولان مرتبط با فیلترینگ که ناشی از قرار گرفتن آنها در معرض تزام اخلاقی باشد در این تعداد ضرب می‌شود و به‌نوعی بر روی اکثریت افراد جامعه تأثیر می‌گذارد.

### نمونه‌هایی از تزام‌های اخلاقی مربوط به فیلترینگ

نگارنده با تحلیل فرایند فیلترینگ و با پیگیری مطالب و اخبار مربوط به آن، مواردی از تزام اخلاقی را صورت‌بندی کرده که در اینجا چند نمونه از آنها بیان می‌شود. لازم به ذکر است که برای مراعات اختصار، از ذکر مستندات تفصیلی اثبات هر یک از وظایف خودداری شده است.

۱. حفظ حریم خصوصی / خیر رساندن به دیگران: صیانت از حریم خصوصی و آنچه به جان و مال و آبروی خود فرد یا دیگران مربوط است یکی از وظایفی محسوب می‌شود که هم مورد تأیید عقل است هم در شرع بر روی آن تأکید فراوان شده است. (بنگرید به شاه علی، ۱۳۸۸) امروزه نقض حریم خصوصی در فضای سایبر یک معضل جدی محسوب می‌شود. این فضا به خاطر امکانات و شرایطی که دارد به راحتی زمینه دسترسی افراد غیرصالح را به اطلاعات شخصی کاربران فراهم

۱. سایت تابناک، ۲۸ فروردین ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۸۱۳۵۴.

کرده است (بنگرید به: رجبی، ۱۳۹۱) و جدای از صبغه حقوقی‌اش (پورقهرمانی کلتبه و صابر نژاد، ۱۳۹۴) به یک مسئله اخلاقی نیز تبدیل شده است. طبیعتاً هر شخص حقیقی یا حقوقی اخلاقاً موظف است از انجام کارهایی که موجب رنج و آسیب خود یا دیگران می‌شود خودداری کند. از منظر بحث حاضر، محافظت از حریم خصوصی یکی از این وظایف است. از طرفی، به گفته یکی از کارشناسان مخابرات، استفاده از فیلترشکن می‌تواند اطلاعات شخصی کاربران را در اختیار دیگران بگذارد. (سایت الف، ۱۳۹۵: کد مطلب: ۴۳۶۳۳۱) از سوی دیگر، در برخی موارد کاربران فضای مجازی، اعم از افراد عادی یا مسئولان، بایستی از فیلترشکن استفاده کنند. به عنوان مثال، یک پزشک یا محقق برای ارتقای سطح دانش خود، که ثمره‌اش منفعت رساندن به جامعه است، اخلاقاً خود را موظف می‌بیند به سایت‌هایی مراجعه کند که برخی از آنها فیلتر شده است و چاره‌ای جز استفاده از فیلترشکن ندارد<sup>۱</sup> ولی این کار نادیده گرفتن قوانین کشور است<sup>۲</sup> و کاری غیراخلاقی محسوب می‌شود؛ چرا که از یک سو نوعی نقض پیمانی که بین او به عنوان یک شهروند و بین حکومت منعقد شده است، و از سوی دیگر، دست کم در نگاه فایده‌گرایانه، مراعات قانون منفعت بیشتری دارد تا عدم مراعات آن، و «احتمال این که در جامعه‌ای تابع قانون، خوشحالی به حداکثر برسد و رنج به حداقل، بیشتر از این احتمال در جامعه‌ای بی‌قانون است.» (مک نیون، ۱۳۹۵: ۱۵۸ - ۱۵۹) نتیجه این که او در تنگنای عمل به چند وظیفه اخلاقی قرار می‌گیرد که جمع آنها عملاً برایش مقدور نیست: یکی حفظ حریم خصوصی خود و دیگر انجام هر چه بهتر وظایف شغلی خود و خیر رساندن به دیگران، و بالاخره عدم نقض قانون.

۲. راست گویی / پرهیز از اشاعه گناه: بسیاری از مسئولان کشورمان در سایت‌های فیلترشده‌ای مثل توییتر و فیس‌بوک عضویت دارند و از این طریق به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازند. این کار گاهی آنها را با تراحم‌هایی مواجه می‌کند. به عنوان مثال، یکی از نمایندگان مجلس در پاسخ به چرایی استفاده از فیلترشکن برای ورود به صفحه خود در توییتر مدعی می‌شود که در ابتدا نمی‌دانسته این سایت فیلتر است، (سایت عصر ایران، ۱۳۹۵: کد خبر: ۵۲۶۶۰۲). وجه شکل‌گیری تراحم اخلاقی در اینجا این است

۱. امکان دسترسی محققان و اندیشمندان جامعه به محتوای مورد نیاز خود در فضای مجازی، امری عقلایی است و حتی اگر مراجعه به این محتواها برای عامه مردم کاری غیراخلاقی باشد برای متخصصان و اهل فن، اخلاقاً درست است چرا که باعث خیر کثیر برای جامعه می‌شود. از نظر منابع نقلی هم کسانی چون شهرداری مستندات و مستثنیات مربوط به «کتب ضلال» را شامل این موارد دانسته و مراجعه اهل فن به این گونه محتواها را برای نقد و پاسخ‌دهی به آنها بی‌اشکال دانسته‌اند. (بنگرید به: شهرداری، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

۲. به گفته دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی هرچند عضویت در شبکه‌های اجتماعی به طور طبیعی جرم نیست اما دور زدن سامانه فیلترینگ کشور طبق قانون جرم محسوب می‌شود. (اخوان بهابادی، سایت انتخاب، کد خبر: ۱۲۱۳۲۲)

که از یک سو هر انسان اخلاقی موظف است که صادقانه سخن بگوید.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، مراعات قوانین کشور نیز یک تکلیف اخلاقی است و از سوی سوم پرهیز از هر کاری که موجب تشویق دیگران به کارهای غیراخلاقی می‌شود نیز وظیفه‌ای اخلاقی است.<sup>۲</sup> طبیعتاً تقید به این تکالیف اخلاقی از سوی دولتمردان لازم و ضروری‌تر است؛ چرا که، به مصداق سخن معصوم علیه السلام: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸)، شهروندان همواره از رفتار حاکمان خود تأثیر می‌پذیرند. حال مدیران و مسئولانی که از فیلترشکن استفاده می‌کنند در مواجهه با پرسش مردم درباره استفاده از فیلترشکن اگر بخواهند صادقانه سخن بگویند قبح قانون‌شکنی را می‌ریزند و، خواسته یا ناخواسته، مردم را به این کار ترغیب می‌کنند، و اگر واقعیت را نگویند مرتکب دروغ‌گویی شده‌اند؛<sup>۳</sup> که خود موجب چند ردیف اخلاقی دیگر از قبیل فریب دیگران، رواج بدینی، احساس تبعیض و بی‌اعتمادی بین مردم و مسئولان نیز می‌گردد.

۳. مجازات خطاکار / عدم تنبیه بی‌گناه: یکی از وظایف اخلاقی حکومت مرزبانی از کیان اخلاقی جامعه و جلوگیری از تهدید منافع شهروندان (از قبیل امنیت کشور، و حریم خصوصی افراد) از طریق فضای مجازی است. از جمله اهرم‌هایی که دولت از آن استفاده می‌کند، اعمال فیلترینگ است. از این جهت فیلترینگ وظیفه‌ای اخلاقی نیز محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر، فیلتر کردن مثلاً یک شبکه اجتماعی که اغلب کاربران از آن به صورت درست استفاده می‌کنند و منفعت عام دارد، به خاطر خطای عده‌ای، موجب متضرر شدن اکثر کاربران می‌شود که کاری است غیراخلاقی. این گروه نباید هزینه خطای دیگران را پرداخت کنند<sup>۴</sup> و این کار ظلم به آنان است. به‌عنوان مثال، بسیاری از کاربران ایرانی در یک شبکه اجتماعی مثل توئیتر یا فیس‌بوک هیچ‌گونه فعالیت غیراخلاقی و مجرمانه‌ای ندارند، و طبیعتاً مجریان فیلترینگ اخلاقاً نباید مانع دسترسی‌شان به این سایت‌ها شوند و از سوی دیگر نیز وظیفه دارند که خاطیان را تنبیه کنند و مانع دسترسی‌شان به این شبکه‌ها شوند. و این وضعیت یک نوع حالت تزام وظایف را برای آنان ایجاد می‌کند.

۱. امام علی علیه السلام: «عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ فَمَنْ صَدَقَ فِي أَقْوَالِهِ جَاءَ حَرْقُ قَدْرِهِ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۹)

۲. از برخی گزاره‌های دینی (از جمله آیه ۱۹ سوره نور) فهمیده می‌شود که انسان نباید موجب اشاعه کارهای زشت شود.

۳. ممکن است گفته شود در این موارد به خاطر برخی مصالح مهم‌تر اشکالی ندارد که کسی دروغ مصلحت‌آمیز بگوید. (برای آشنایی با مفهوم، گستره و دیدگاه‌های مطرح در این زمینه بنگرید به: اسلامی، ۱۳۸۲: دروغ مصلحت‌آمیز: بحثی در مفهوم و گستره آن) اما باید گفت اولاً این یک راه حل است و فعلاً سخن ما در تبیین خود تعارض است؛ ثانیاً این راهکار برای کسی مانع یا رافع تزام است که معتقد باشد دروغ مصلحت‌آمیز از نظر اخلاقی قابل توجیه و دفاع است، ولی اگر کسی چنین دیدگاهی نداشته باشد طبیعتاً از آن به‌عنوان یک راهکار نیز نمی‌تواند استفاده کند.

۴. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى. (انعام / ۱۶۴)

۴. خدمت به مردم / عدم ایجاد بدبینی نسبت به دین: استفاده از فناوری‌های نوین در ایران سوبه‌ای مرتبط با دین نیز دارد و در این زمینه تلاش شده است چگونگی بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی در راستای اهداف دینی در افق ایران سال ۱۴۲۴ طراحی و ترسیم شود (بنگرید به: مظاهری و دیگران، ۱۳۹۵) که ناظر به نوعی آینده‌نگری در این زمینه است. طبیعتاً در چنین جامعه‌ای عملکرد مدیران در زمینه اعمال فیلترینگ بر روی نگرش بخشی از شهروندان (به‌ویژه نخبگان و نسل جوان) به دین و حکومت دینی، و حتی بر روی باورها و رفتارهای دینی و اخلاقی آنان تأثیر می‌گذارد.<sup>۱</sup> بر این اساس، یکی از وظایف اخلاقی مدیران جامعه این است که برای بهره‌گیری از فضای مجازی جهت ایفای هرچه بهتر مسئولیت‌های خود از کارهایی که موجب بدبینی طیف عمده‌ای از مردم به حکومت می‌شود پرهیز کنند تا بتوانند همراهی آنان را برای سامان دادن امور جامعه به خود جلب نمایند. از سوی دیگر اعمال فیلترینگ، به‌ویژه اگر به صورت گسترده و در مورد سایت‌های متعلق به اندیشوران جامعه یا کنشگران سیاسی و اجتماعی و فرهنگی یا درباره شبکه‌هایی باشد که نوعاً مورد استفاده صحیح قرار می‌گیرند،<sup>۲</sup> نارضایتی شهروندان، به‌ویژه اقشار تأثیرگذار را به دنبال دارد که از نظر داخلی موجب افزایش بدبینی و شکاف بین حکومت و مردم و از نظر بین‌المللی موجب ارائه تصویری نامناسب از کشورمان در دنیا می‌شود.<sup>۳</sup> که خود تبعات دیگری دارد. به این ترتیب مدیران جامعه در عمل با یک وضعیت تزاخم‌آمیز مواجه می‌شوند و باید برای چاره‌اندیشی کنند.

۵. حفظ حقوق شهروندان / حفظ بیت‌المال: طبق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» و

۱. از سخنان ائمه علیهم‌السلام نیز بر می‌آید که آنان به این نکته توجه داشته‌اند که رفتار پیروانشان به خاطر انتساب آنها به دین پیامدهایی بیش از رفتار دیگران دارد. به‌عنوان مثال امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود به نام شقرانی فرمود: «ای شقرانی! نیکی از هر کسی نیکو است ولی از تو نیکوتر است، و کار زشت از هر کسی زشت است ولی از تو زشت‌تر، به خاطر نسبتی که با ما داری». (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۸ / ۱۶۱)

۲. البته مواردی چون فیلتر کردن سایت‌ها و کانال‌های پورنو از محل بحث حاضر بیرون است و نوعاً هم این موارد موجب بدبینی به دین و حکومت نمی‌شود. بلکه مقصود فیلتر کردن سایت‌ها یا شبکه‌هایی چون توئیتر و فیس‌بوک و یوتیوب است که کاربرد مثبت فراوان دارد یا سایت‌ها و صفحات شخصیت‌های مذهبی، علمی و سیاسی و اجتماعی است که وجدان عمومی نخبگان جامعه فیلتر کردن آنها را نمی‌پذیرد.

۳. تصویری که متأسفانه امروز تا اندازه‌ای ایجاد شده و کشور ما جزو کشورهای است که بیشترین میزان فیلترینگ دولتی را دارند. (Warf, 2011: 10-11) ممکن است گفته شود که سخنان دیگران نباید ما را در انجام وظایف مان سست کند، ولی باید توجه داشت که امروزه این‌گونه تصویرسازی‌ها درباره یک کشور، جدای از این که چه اندازه مبتنی بر واقعیت باشد، اثرات وضعی فراوانی دارد و می‌تواند هزینه‌های مادی و غیرمادی فراوانی را بر حکومت و بر شهروندان تحمیل کند و کاستن از این هزینه‌ها یکی از وظایف حاکمیت است.



در این راستا طبق اصل سوم قانون اساسی دولت موظف به «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» است.<sup>۱</sup> بنابراین مسئولان و مدیران جامعه از یک سو (جدای از وجه قانونی) به خاطر ایفای مسئولیتی که پذیرفته‌اند اخلاقاً موظفند با راهکارهایی چون اعمال فیلترینگ مانع از شکل‌گیری ردایل اخلاقی و وارد شدن ضرر و زیان به شهروندان از طریق فضای مجازی شوند. از سوی دیگر، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فیلترینگ نیازمند نیروی انسانی و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری فراوانی است که، همان‌گونه که وزیر ارتباطات اظهار داشته است که هزینه‌های زیادی را بر بیت‌المال تحمیل می‌کند. (واعظی، ۱۳۹۴) با توجه به افزایش استفاده از فیلترشکن، و سهولت و تنوع راه‌های دور زدن فیلترینگ، هزینه‌های صرف‌شده در این زمینه به نتیجه مطلوب خود نرسیده و به‌نوعی هدر دادن بیت‌المال است که مسئولان وظیفه دارند از آن جلوگیری کنند. این وضعیت آنان را با یک تنگنای اخلاقی مواجه می‌کند.<sup>۲</sup>

۶. اجرای قانون / جلوگیری از لوٹ شدن قانون: برخی حقوق‌دانان با استناد به مواد ۱، ۲۱، ۲۲ و بند پ ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای معتقدند کسانی که اقدام به «استفاده از فیلترشکن» و «ورود به سایت‌های فیلترشده» می‌کنند مجرم محسوب می‌شوند (سایت ایسنا، ۱۳۹۲: کد مطلب: ۹۲۰۸۱۸۱۱۲۵۴) و به مجازات‌های مشخص‌شده در این قانون، از قبیل حبس از نود و یک روز تا یکسال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، «ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل چهارم، ذیل عنوان «قانونی بودن جرایم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری» در این‌باره مقرر می‌دارد که «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد». علاوه‌بر آن، در اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده که «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۶ مرداد ۱۳۹۶.

۲. ممکن است گفته شود به هر حال هرگونه تلاش حکومت مستلزم هزینه کردن از بیت‌المال است و اگر ترس از اتلاف آن باشد پس حکومت هیچ فعالیتی نباید انجام دهد. پاسخ این است که اصل این حرف سخن درستی است ولی نکته اینجاست که مدیران جامعه باید متناسب با خروجی و ثمرات کاری که انجام می‌دهند از بیت‌المال هزینه کنند. طبیعتاً در هر کاری درصدی از خطا و ضایعات پذیرفته است ولی وقتی هزینه‌های فراوانی برای فیلترینگ صرف می‌شود و از آن طرف در مقیاس وسیعی افراد (حتی برخی از مدیران و سیاستمداران کشور) آن را به آسانی دور می‌زنند، بایستی کاری کرد که کمترین میزان هزینه بر بیت‌المال تحمیل شود. به‌ویژه در حکومت دینی که پیرو امام علی علیه السلام است که حتی نسبت به استفاده از شمع بیت‌المال حساس بود یا به مدیران خود می‌فرمود: نوک قلم‌های‌تان را باریک بتراشید و فاصله سطر نامه‌های‌تان را کمتر کنید تا به بیت‌المال ضرر وارد نشود. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۸۵)

۳. متن کامل قانون جرایم رایانه‌ای در سایت پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) در دسترس است. به آدرس <http://www.cyberpolice.ir/page/42981> (تاریخ مراجعه: ۲۰ آذر ۱۳۹۵).

از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». (همان) بر این اساس، دستگیری، محاکمه و مجازات فیلترشکنان (و کسانی که به آنها کمک می‌کنند به‌عنوان شریک جرم) وظیفه ضابطان قضایی و دادگاه‌های صالحه است. این وظیفه علاوه بر قانونی بودن، اخلاقی هم هست. (چون قبول مسئولیت نوعی تعهد است که باید به آن وفا کنند). از سوی دیگر، حفظ حرمت و شأن قانون نیز وظیفه قوه قضاییه (و دیگر آحاد جامعه) است که وجه اخلاقی نیز دارد، چرا که از بین رفتن آن موجب هرج و مرج و متضرر شدن جامعه و ظلم در حق افراد بی‌گناه می‌شود. حال با توجه به فراوانی کسانی که از فیلترشکن استفاده می‌کنند، اعم از مردم عادی یا حتی برخی مسئولان، طبیعتاً ضابطان قضایی اگر همه این افراد را، بر فرض این که امکان شناسایی‌شان باشد، دستگیر و محاکمه نکنند عملاً موجب تضعیف احترام و احتشام قانون شده‌اند. اگر هم فقط برخی از خاطیان را محاکمه و مجازات کنند ترجیح بلامرجه پیش می‌آید و ظلم در حق دستگیر شدگان و لطف بی‌جا در حق بقیه خاطیان است که این نیز غیراخلاقی است.

### راهکارها و راه حل‌ها

با توجه به تأثیر منفی تراجم اخلاقی مربوط به فیلترینگ بر روی رفتارهای اخلاقی مرتبطان با فضای مجازی، در اینجا چند راهکار برای مواجهه با آنها ارائه می‌شود. البته ایده‌آل آن است که راهکارهایی پیدا شود که بتواند تراجم‌ها را به کلی از میان بردارد ولی با توجه به وضعیت فضای مجازی و فرایند فیلترینگ واقع‌بینانه‌تر آن است که به دنبال «کاهش» این تراجم‌ها باشیم تا «رفع» کامل آنها. چرا که اولاً تعداد کاربران فضای مجازی بسیار زیاد است، ثانیاً موقعیت‌ها و شرایط شکل‌گیری تعارض و تراجم فراوان است (که نمونه‌هایی از آنها پیش از این ذکر شد)، ثالثاً این‌گونه نیست که راه‌کارهایی که ارائه می‌شود برای همه مرتبطان با فیلترینگ کاربرد داشته باشد و هر راهکاری ارائه می‌شود حتماً همه افراد به انجام آن تقید داشته باشند. از این‌رو، آنچه در ادامه مطرح می‌شود بیشتر ناظر به این است که بتواند تا جایی که ممکن است شرایط شکل‌گیری تراجم را برطرف کند، و به افراد کمک کند که از بین چند تکلیف اخلاقی به یکی عمل کنند.

با توجه به آنچه گفته شد، راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تفکیک کاربران از نظر سطح دسترسی و اعمال فیلترینگ: یک پزشک یا استاد دانشگاه یا یک آسیب‌شناس شبکه‌های اجتماعی لازم است به محتوایی دسترسی پیدا کنند که دسترسی افراد عادی جامعه به آنها ضرورت ندارد. از این‌رو با تعریف میزان خاص دسترسی افراد با توجه به نیازها و تخصص‌هایی که دارند، می‌توان تا اندازه زیادی مانع از تراجم اخلاقی، مثلاً بین خیر رساندن متخصصان به جامعه و نقض تعهد اجتماعی خود با استفاده از فیلترشکن، شد.

۲. تقویت تفکر اخلاقی: برخی چون مصطفی ملکیان معتقدند شکل‌گیری تزام اخلاقی در بسیاری از موارد ناشی از عدم تربیت ذهن اخلاقی (و نوعی راحت‌طلبی فکری) است و این افراد غیرمتفکر هستند که در مسائل اخلاقی (و حقوقی و مانند آن) مسائل را سریعاً به صورت دو شقی مطرح می‌کنند و از شقوق دیگر غافل می‌شوند. از این رو با تقویت تفکر اخلاقی می‌توان تا اندازه زیادی تزام‌های اخلاقی را کاهش داد؛ هرچند البته نمی‌توان انتظار داشت که به کلی از زندگی انسان حذف شود. (ملکیان، ۱۳۹۶)

حال درباره فیلترینگ هم اگر کسی درباره هر یک از وظایف دوگانه‌ای که نمونه‌های آن بیان شد بتواند یک وظیفه سوم یا چهارمی تعریف کند ممکن است بتواند تزام را از بین ببرد. مثلاً در موردی که یک محقق هم موظف است دانش خود را ارتقا دهد تا خیر بیشتری به دیگران برساند و از سوی دیگر در برخی مواقع برای دسترسی به سایت‌های فیلترشده باید قانون فیلترینگ را زیر پا بگذارد، اگر شقوق دیگری از قبیل ارائه مجوز قانونی به وی برای دور زدن فیلترینگ، یا کمک گرفتن از کسانی که در کشورهای دیگر هستند و می‌توانند به سایت‌های فیلترشده در ایران دسترسی پیدا کنند و مواردی از این قبیل توجه شود دیگر تزام مجال طرح پیدا نمی‌کند.

۳. تمرکز بر «فیلترینگ حداقلی»: نگارنده هرچند بر این باور است که در مورد سایت‌ها، صفحات و کانال‌هایی که فعالیت‌هایی چون تعلیم و ترغیب به خودکشی، هک کردن، و سوءاستفاده جنسی از کودکان را مرتکب می‌شوند بایستی فیلترینگ اعمال شود؛ ولی از سوی دیگر بر این نکته تأکید دارد که غیر از مواردی از این دست، به‌ویژه در مورد سایت‌ها و شبکه‌هایی که اساس کارشان بر انجام کارهای غیراخلاقی نیست، از قبیل پایگاه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی و شبکه‌های اجتماعی که در مجموع رفتارهای اخلاقی بر فعالیت‌های غیراخلاقی غلبه دارد، بایستی به «فیلترینگ حداقلی» اکتفا کرد؛ به این معنا که با سعه‌صدر بیشتری با آنها برخورد و از فیلتر کردن آنها پرهیز شود، و تا جایی که مقدور است به جای فیلتر کردن، از راهکارهای بدیل (مانند تذکر و اخطار) استفاده شود. یعنی همواره به فیلترینگ به‌عنوان آخرین راهکار نگریسته شود و در مواردی هم که فیلترینگ لازم می‌شود به جای فیلتر کردن کلی یک سایت یا شبکه به فیلتر کردن صفحات یا بخش‌های خاصی از آنها، آن هم برای مدت زمانی محدود، اقدام شود. این کاری است که، به گفته «محمود واعظی»، وزیر ارتباطات، امکان‌پذیر است (واعظی، ۱۳۹۴) و به گفته وی با طراحی یک ربات هوشمند، به‌عنوان فاز اول فیلترینگ هوشمند در حال انجام است (سایت ایسنا، ۱۳۹۵: کد مطلب: ۹۵۰۹۲۰۱۱۳۶۶) و درباره برخی شبکه‌ها از قبیل تلگرام انجام شده است (سایت پارسینه، ۱۳۹۴: کد مطلب: ۲۶۰۵۲۳) طبیعتاً درباره بسیاری از سایت‌ها و شبکه‌های دیگر از قبیل فیس‌بوک و توییتر هم قابل اجرا است.

۴. تمسک به نظریه‌های اخلاقی: به‌عنوان مثال، وقتی امر دایر است بین عدم نقض فیلترینگ از سوی یک پزشک برای دسترسی به منابع علمی در یک سایت فیلترشده و بین خیر و منفعتی که از این راه برای درمان بیماران فراوانی در جامعه حاصل می‌شود با تمسک به نظریه سودگرایی، از جمله آن قسم از این نظریه که معتقد است وظیفه اخلاقی انسان انجام کاری است که در مجموع بیشترین سود را برای بیشترین افراد جامعه داشته باشد، می‌توان وظیفه دوم را ترجیح داده و دور زدن فیلترینگ را توجیه و تزامم را برطرف کرد.

۵. افزون بر آنچه گفته شد، برای رفع تزامم اخلاقی راهکارهای دیگری چون استفاده از مطلق‌گرایی اخلاقی، (محمدی پیرو و شریفی، ۱۳۹۰) تحویل «باید» به «موجه بودن» و تکالیف به دلایل و ارزش‌های سنجش‌پذیر، (بهرامی و قراملکی، ۱۳۹۱) تمسک به قواعد منطق تکلیف،<sup>۱</sup> (حسین خانی، ۱۳۸۶) نظریه «دیوید راس» درباره تفکیک بین وظایف در نگاه نخست و وظایف در مقام عمل، (اترک، ۱۳۸۷) و تمسک به قواعد عقلی از قبیل قاعده اهم و مهم (رضوانی، ۱۳۹۲) نیز مطرح شده که گرچه کلی است نه ناظر به تزامم‌های مربوط به فضای مجازی، اما برای بحث فیلترینگ نیز کاربرد دارد. لکن برای رعایت اختصار از معرفی و بررسی آنها خودداری می‌شود.

### نتیجه

به دلایل مختلف امروزه برای اخلاقی ساختن فضای مجازی چاره‌ای از اعمال فیلترینگ نیست، و هر یک از افرادی که به‌نوعی با فیلترینگ سروکار دارند (از کاربران عادی گرفته تا نهادهای حاکمیتی متصدی سیاست‌گذاری و اجرای فیلترینگ) به‌عنوان عامل‌های اخلاقی وظایفی بر عهده دارند که ملزم به عمل به آنها هستند. این دو گروه به خاطر فیلترینگ گاه با دو یا چند وظیفه اخلاقی مواجه می‌شوند که در عین الزامی بودن، عمل همزمان به آنها برایشان مقدور نیست. در این موارد آنها با تنگنا یا تزامم اخلاقی مواجه می‌شوند. با توجه به تأثیرات مهم تزامم اخلاقی، باید برای رفع یا کاهش آنها چاره‌اندیشی شود. در این زمینه راهکارهایی وجود دارد که هر کس نسبت به وضعیتی که در آن قرار دارد می‌تواند از آنها استفاده کند. تمسک به نظریه‌های اخلاقی و تقویت تفکر اخلاقی از جمله این راهکارها است. البته چه شکل‌گیری اصل تزامم و چه راهکارهای ارائه‌شده برای آن نیز با چالش‌های گوناگونی مواجه است که کار رفع یا کاهش تزامم را با مشکل مواجه می‌کند. خطا در تشخیص شرایط تعارض، ضعف‌های نظریه‌های مورد تمسک، خطا در مصداق‌یابی نظریه‌ها، ضعف اخلاقی کاربران و عدم همکاری آنها از جمله چالش‌ها و مشکلات مطرح در این زمینه است.

1. Deontic logic.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آرمسترانگ، والتر سینوت، ۱۳۹۲، «تنگناهای اخلاقی»، ترجمه انشاءالله رحمتی، *اطلاعات حکمت و معرفت*، س ۸، ش ۵.
۳. اترک، حسین، ۱۳۸۷، «وظایف اخلاقی در دیدگاه دیوید راس»، *آینه معرفت*، ش ۱۷.
۴. اسلامی، سیدحسن، ۱۳۸۲، *دروغ مصلحت آمیز: بحثی در مفهوم و گستره آن*، قم، بوستان کتاب.
۵. بهرامی، محسن، فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۱، «تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۲.
۶. بوسلیکی، حسن، ۱۳۹۱، *تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه: بازخوانی ظرفیت‌های اصول فقه در حل تعارضات اخلاقی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱.
۷. پورقهرمانی کلنپه، بابک، صابر نژاد، علی، ۱۳۹۴، *حریم خصوصی در فضای سایبر از منظر حقوق بین‌الملل*، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، چ ۱.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، به کوشش مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱.
۹. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۳۶۳، *تحف العقول عن آل الرسول*، به تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲.
۱۰. رجبی، اکرم، ۱۳۹۱، *نقض حریم خصوصی در فضای سایبر*، تهران، آرمان رشد، چ ۱.
۱۱. رضوانی، حسین، ۱۳۹۲، «شاخص‌های تقدیم اهم بر مهم در تزامم‌های اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، س ۴، ش ۱.
۱۲. شاه علی، احمدرضا، ۱۳۸۸، «اخلاق رسانه و حریم خصوصی؛ رویکرد اسلامی»، *رسانه*، ش ۸۰.
۱۳. شریفی، عنایت‌الله، ۱۳۹۰، «منشأ الزام در مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، س ۴، ش ۱۱.
۱۴. شهریاری، حمید، ۱۳۸۹، *اخلاق فناوری اطلاعات*، قم، انتشارات دانشگاه قم، چ ۱.
۱۵. محمدی پیرو، احمد، شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۰، «نقش مطلق‌گرایی در حل تزاممات اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، س ۳، ش ۱.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳، *میزان‌الحکمه*، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چ ۱.

۱۷. مظاهری، محمد مهدی و دیگران، ۱۳۹۵، *آینده پژوهی دین و ابزارهای نوین ارتباطی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چ ۱.
۱۸. مک نیون، دان، ۱۳۹۵، *اخلاق خلاق: درآمدی بر اخلاق نظری و عملی*، ترجمه ادیب فروتن، تهران، ققنوس، چ ۱.
۱۹. میرزایی، فرشته، ۱۳۹۰، *مدیریت تعارض از منظر صاحب‌نظران مدیریت و مکتب اسلام*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چ ۱.
۲۰. هوگلی، آ.، ۱۳۹۴، «تزام تکالیف»، ترجمه احمد رجبی، فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه، ویراسته یوآخیم ریتز و دیگران، ج سوم، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغون، چ ۱.
21. Buchholz, Rogene A.; Rosenthal, Sandra B, 2002, "Technology and Business: Rethinking the Moral Dilemma", *Journal of Business Ethics*, No. 41.
22. Couhen, Jillian Clare, 2004, "Pushing the Borders: The Moral Dilemma of International Internet Pharmacies," *Hastings Center Report*, Vol. 34, No. 2.
23. Lawson, Tony; Comber, Chris, 2000, "Censorship, the Internet and schools: a new moral panic?", *The Curriculum Journal*, Vol. 11, No. 2.
24. Mellema, Gregory F, 2005, *Ethics*, ed. by: John K. Roth, USA: Salem Press.
25. Talisse, Robert B, 2009, *Democracy and Moral Conflict*, New York: Cambridge University Press.
26. Trushina, Irina, 2004, "Freedom of access: ethical dilemmas for Internet librarians", *The Electronic Library*, vol. 22, No. 5.
27. Warf, Barney, 2011, "Geographies of global Internet censorship", *GeoJournal*, Vol. 76, No. 1.
28. Zittrain, Jonathan; Palfrey, John, 2008, "Introduction", in: *Access Denied: The Practice and Policy of Global Internet Filtering*, ed. by Ronald Deibert and others, MIT Press.

#### منابع اینترنتی<sup>۱</sup>

۲۹. «آیا استفاده از فیلتر شکن و ورود به فیس‌بوک اعمالی مجرمانه‌اند؟»، سایت ایسنا، ۱۸ آبان ۱۳۹۲، کد مطلب: ۹۲۰۸۱۸۱۱۲۵۴، مراجعه: ۲۹ دی ۱۳۹۵، [www.isna.ir](http://www.isna.ir).

---

۱. با توجه به موضوع مقاله و جدید بودن آن، استفاده از منابع اینترنتی ناگزیر و صرفاً به‌عنوان منابع کمکی تحقیق و عمدتاً برای تأکید یا شاهد مثال بوده است. در مواردی که تاریخ مراجعه ذکر نشده است، تاریخ مراجعه همان تاریخ انتشار مطلب است.

۳۰. اخوان بهابادی، مهدی، «عضویت در شبکه‌های اجتماعی جرم نیست، اما دور زدن فیلترینگ جرم است!»، سایت انتخاب، ۲۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۲۱۳۲۲، مراجعه: تیر ۱۳۹۲، [www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir)
۳۱. «تلگرام کانال‌های غیر اخلاقی را مسدود کرد»، سایت پارسینه، ۲۴ آبان ۱۳۹۴، کد مطلب: ۲۶۰۵۲۳، مراجعه: ۲۰ بهمن ۱۳۹۵، [www.parsine.com](http://www.parsine.com)
۳۲. «حراج اطلاعات ایرانیان در تلگرام: شماره بده، اسم و تصویر بگیر»، سایت الف، چهارشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۵، کد مطلب: ۴۳۶۳۳۱، مراجعه: ۲۹ دی ۱۳۹۵، [www.alef.ir](http://www.alef.ir)
۳۳. حسین خانی، علی، ۱۳۸۶، «منطق تکلیف»، وبلاگ زمان فلسفه، (مراجعه: ۳ مرداد ۱۳۹۶). [www.doran.persianblog.ir](http://www.doran.persianblog.ir)
۳۴. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس، (مراجعه ۱۶ مرداد ۱۳۹۶)، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/133613>
۳۵. «قانون جرایم رایانه‌ای»، سایت پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)، مراجعه: ۲۰ آذر ۱۳۹۵، [www.cyberpolice.ir](http://www.cyberpolice.ir)
۳۶. لغت نامه دمخدا، در سایت واژه یاب، (۱۱ بهمن ۱۳۹۵)، [www.vajehyab.com](http://www.vajehyab.com)
۳۷. «مسئول فیلترینگ کیست؟»، سایت ایسنا، ۲۰ آذر ۱۳۹۵، کد مطلب: ۹۵۰۹۲۰۱۱۳۶۶
۳۸. ملکیان، مصطفی، ۱۳۹۶، «تعلیم و تربیت اخلاقی» (فایل صوتی)، کانال تلگرامی ملکیان، ۲۵ تیر ۱۳۹۶، <https://t.me/mostafamalekian/3943>
۳۹. «نماینده مجلس: نمی‌دانستم تویتر فیلتر است!»، سایت عصر ایران، ۱۰ اسفند ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۲۶۶۰۲، [www.asreiran.com](http://www.asreiran.com)
۴۰. «نیمی از تعداد کاربران تلگرام ایرانی شدند!»، سایت تابناک، ۲۸ فروردین ۱۳۹۵، کد مطلب: ۵۸۱۳۵۴، مراجعه: ۶ بهمن ۱۳۹۵، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)
۴۱. واعظی، محمود، ۱۳۹۴، «توضیح وزیر درباره صفحات غیر اخلاقی اینستاگرام»، سایت فرارو، ۱۸ آبان ۱۳۹۴، کد خبر: ۲۵۲۲۵۹، مراجعه: ۲۰ بهمن ۱۳۹۵، [www.fararu.ir](http://www.fararu.ir)

